

حق دریافت آموزش و خدمات حقوقی از منظر حقوق شهروندی؛ با تاکید بر نقش کلینیک‌های حقوقی

ناهید صفری

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران.

andishe.ns@gmail.com

قابل انتشار در دوره ۲۵ شماره ۶۶ (تابستان ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوقی

بخشی از این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر فقدان اطلاعات حقوقی شهروندان در ایجاد اختلافات حقوقی با شهرداری و امکان‌سنجی کاهش مشکلات حقوقی از طریق استقرار کلینیک‌های حقوقی در شهرداری تبریز» است و با حمایت مالی مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر تبریز انجام شده است.

چکیده

اطلاعات و سواد حقوقی عموم شهروندان اندک و اغلب گمراه‌کننده و ناصحیح است. این موضوع در کنار موانع اقتصادی برخورداری از خدمات حقوقی، علاوه بر تضییع حقوق شهروندان، موجبات کثرت پرونده‌های حقوقی و اطاله دادرسی را نیز فراهم نموده است. به لحاظ عدم توجه به حق دریافت آموزش و خدمات حقوقی به مثابه یکی از حقوق شهروندی در ادبیات پژوهشی و با توجه به اهمیت عملی این حق، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سوالات است که آیا می‌توان این حق را از مصادیق حقوق شهروندی دانست و وضعیت آن در نظام حقوقی ایران و راهکار مناسب برای تضمین آن چیست؟ تدقیق در مصادیق بیان شده از حقوق شهروندی توسط صاحب‌نظران این حوزه و مقررات موجود موید آن است که حق دریافت آموزش حقوقی و خدمات حقوقی در راستای استانداردهای زندگی جامعه فعلی و از مصادیق حقوق شهروندی امروز محسوب می‌شود که به نحو شایسته مورد توجه قانونگذار و پژوهشگران این حوزه قرار نگرفته است. پژوهش حاضر ضمن تبیین حقوق مذکور از منظر حقوق شهروندی، تاسیس کلینیک‌های حقوقی را به عنوان نهادی با وظایف متعدد آموزشی و خدماتی، راهکاری مناسب برای تحقق این حق می‌داند. روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی است و با جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، حق بر آموزش، خدمات حقوقی، سواد حقوقی، کلینیک‌های حقوقی.

مقدمه

حقوق شهروندی از موضوعاتی است که به طور خاص در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. در تبیین مؤلفه‌های مختلف حقوق شهروندی، ابعاد مختلف حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مورد توجه است. دریافت خدمات اجتماعی از مؤلفه‌های مهم حقوق شهروندی محسوب می‌شود و معمولاً شامل مصادیقی مانند بهره‌مندی از امنیت، رفاه اجتماعی و خدمات مدنی است. حق دریافت خدمات، اطلاعات و آموزش حقوقی را باید از مصادیق حقوق شهروندی در جامعه امروزی دانست که نه در مقام اجرا و نه در ادبیات پژوهشی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، موجب بروز مشکلات حقوقی متعدد در روابط افراد شده است. بی‌اطلاعی و ناآگاهی شهروندان از حقوق خود گاه موجبات نادیده گرفتن حقوق آن‌ها می‌شود. با توجه به گستره دانش حقوق و تخصصی بودن آن، امکان آگاهی شهروندان به بسیاری از موضوعات حقوقی تقریباً غیرممکن است و از طرف دیگر کسب اطلاعات سطحی توسط ایشان به ویژه در فضای مجازی، بعضاً نه تنها کمکی به احقاق حق ایشان نمی‌کند بلکه اغلب این اطلاعات، گمراه کننده بوده و موجبات تضییع حقوق آن‌ها را ایجاد می‌نماید. ناکافی بودن معاضدت‌های پیش‌بینی شده در قانون و عدم احساس نیاز به وکلا به لحاظ فرهنگی، مشکلات اقتصادی و هزینه‌های استفاده از خدمات متخصصان حقوقی را نیز باید از دیگر موانع این حوزه دانست. از این منظر می‌توان فقدان سواد و اطلاعات حقوقی شهروندان و یا اطلاعات سطحی و گمراه کننده آن‌ها را در کنار فقدان سازوکارهای قانونی مناسب برای دریافت آموزش‌های لازم و مناسب و نبود بسترهای مناسب و کافی برای دریافت خدمات حقوقی را از دلایل کثرت پرونده‌های حقوقی و مراجعه قضایی و به طور کلی تضییع حقوق شهروندان دانست.

پژوهش‌های داخلی صورت گرفته در خصوص میزان آگاهی حقوقی شهروندان در حوزه‌های مختلف نیز موید نامطلوب بودن سطح اطلاعات و سواد حقوقی شهروندان است^۱ و اهمیت توجه به آموزش حقوقی و ارائه خدمات حقوقی را از منظر حقوق شهروندی برجسته می‌سازد. البته اهمیت آموزش‌های حقوقی مورد توجه برخی پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه آموزش شهروندی قرار گرفته

^۱ محمد گنجی، محسن نیازی و اسما عسکری کویری «تحلیلی بر فرهنگ شهروندی با تاکید بر آموزش‌های شهروندی»، مطالعات جامعه‌شناسی شهری ۴، ۱۲ (۱۳۹۳): ۱۸- کرامت الله، زیاری، عبدالله شیخی، مرضیه باقرعطاران، و دیمین کاشفی دوست «ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری»، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری ۱، ۱ (۱۳۹۲): ۷۴.

است.^۲ با این وجود سواد حقوقی به مفهوم گسترده مطرح شده در این پژوهش، مورد توجه پژوهش‌های داخلی قرار نگرفته و معمولاً اطلاعات حقوقی محدود به آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی و مراد از آموزش شهروندی، عمدتاً آموزش فرهنگ شهروندی است. از این رو به لحاظ اهمیت این حق از منظر حقوق شهروندی، در پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوالات هستیم که آیا حق دریافت آموزش و خدمات حقوقی را می‌توان از مصادیق حقوق شهروندی دانست و جایگاه این حق در نظام حقوقی ایران چیست؟ و نهایتاً راهکار مناسب برای تضمین این حق چیست؟ تدقیق در مصادیق بیان شده از حقوق شهروندی توسط صاحب‌نظران این حوزه، موید آن است که دریافت آموزش حقوقی و خدمات حقوقی باید در راستای استانداردهای زندگی جامعه فعلی و از مصادیق حقوق شهروندی امروز محسوب نمود که به نحو مطلوب مورد توجه قانونگذار و پژوهشگران حوزه حقوق شهروندی قرار نگرفته است و شایسته توجه است. با توجه به اهمیت معاضدت در تحقق عدالت قضایی و فقدان نهادهای کافی در این راستا، راهکار ارائه شده در پژوهش حاضر برای جبران این خلاءها، تاسیس و راه اندازی کلینیک‌های حقوقی است که با در برداشتن وظایف متعدد آموزشی و خدماتی، راهکار مناسبی برای افزایش سواد حقوقی و ارائه خدمات حقوقی مورد نیاز هستند. البته توجه به کلینیک‌های حقوقی در ادبیات حقوقی ایران سال‌هاست مورد توجه نویسندگان حقوقی قرار گرفته اما در عمل به علت برخی موانع قانونی و عملی نتوانسته اهداف والای خود را به نحو شایسته‌ای محقق سازد. شفاف نبودن وضعیت قانونی این کلینیک‌ها و فقدان متولی دقیق قانونی از یک طرف و اندک بودن تعداد آن‌ها، ضرورت توجه بیشتر به ویژه از منظر حقوق شهروندی را مطرح می‌نماید. برای بررسی موضوعات مطروحه در این پژوهش ابتدا حق دریافت آموزش حقوقی را از منظر حقوق شهروندی تبیین شده است و سپس حق دسترسی به خدمات حقوقی از منظر حقوق شهروندی مورد ارزیابی قرار گرفته است و نهایتاً نقش کلینیک‌های حقوقی به عنوان یکی از راهکارهای ارتقای دانش حقوقی و ارائه خدمات حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. حق دریافت آموزش حقوقی از منظر حقوق شهروندی

در تعاریف حقوق شهروندی، معمولاً سه شاخصه اصلی حقوق مدنی، حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی مورد توجه پژوهشگران و صاحب‌نظران قرار گرفته است. از منظر این تقسیم‌بندی، یکی از مصادیق مهم حقوق شهروندی، حقوق اجتماعی شهروندان است. در آثار نویسندگانی که به ابعاد مختلف حقوق اجتماعی پرداخته‌اند، مصادیق مختلفی برای حقوق اجتماعی ذکر شده است. طیف

^۲ حامد اخوان «بررسی و شناسایی مولفه‌های نظام آموزش شهروندی»، افاق علوم انسانی ۶، ۶۶ (۱۴۰۱): ۱۷-۳۰-رضاعلی محسنی «ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راهکارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی»، مطالعات سیاسی ۳، ۱۰ (۱۳۸۹): ۱۱۷-۱۴۴-گنجی، پیشین.

وسعی از حقوق مربوط به رفاه و امنیت اقتصادی، حق زندگی طبق استانداردهای رایج زندگی در یک جامعه، نظام آموزش و خدمات^۳، رفاه و تامین اجتماعی، تامین حداقل‌های بهداشتی، سواد آموزی، سلامت و بهداشت عمومی^۴ حقوق اقتصادی و نیز حداقل استانداردهای زندگی در تسهیلات اجتماعی^۵ از جمله مهم‌ترین مصادیق بعد اجتماعی حقوق شهروندی هستند. در برخی قوانین نیز مصادیقی از خدمات اجتماعی قابل ملاحظه است. به عنوان نمونه در بند ۱۰ منشور حقوق شهروندی شورای اسلامی شهر تهران، در بیان مصادیق خدمات اجتماعی، به مددکاری، مشاوره روانشناختی، آموزش‌های توان‌بخشی و توانمندسازی و خدمات حمایتی از اقشار در معرض آسیب و آسیب‌دیده اجتماعی، مناسب‌سازی معابر و محیط اجتماعی برای فعالیت افراد دارای محدودیت و معلولیت اشاره شده است. توجه به مصادیق بیان شده موید آن است که دریافت آموزش حقوقی به صورت خاص و به عنوان مصادیق حقوق اجتماعی مورد توجه قانونگذار و پژوهشگران این حوزه قرار نگرفته است. در حالی که به نظر می‌رسد با توجه به شرایط زندگی اجتماعی کنونی، دریافت آموزش حقوقی را باید از مصادیق حقوق شهروندی امروز محسوب نمود و آن را در راستای استانداردهای زندگی جامعه فعلی محسوب نمود. اهمیت سواد حقوقی در جامعه کنونی از آنجا ناشی می‌شود که پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی موجب بروز مشکلات حقوقی بسیاری در روابط افراد شده است تا حدی که تراکم پرونده‌های قضایی و اطاله دادرسی را باید از معضلات نظام قضایی محسوب نمود. اقامه دعاوی متعدد در محاکم دادگستری، ضمن تحمیل هزینه فراوان بر شهروندان، مراجع قضایی را نیز با مشکلاتی مواجه نموده و در نگاه کلان موجب اتلاف سرمایه‌های اجتماعی می‌گردد. صرف نظر از عوامل متعدد این مساله که بررسی آن‌ها موضوع نوشتار حاضر نیست، فقدان سواد و اطلاعات حقوقی شهروندان و فقدان سازوکارهای قانونی مناسب برای دریافت آموزش‌های لازم را از عوامل تاثیرگذار در این زمینه به حساب آورد. در نظام حقوقی ایران با توجه به تخصصی و گسترده بودن متون قانونی، امکان آگاهی شهروندان به بسیاری از موضوعات حقوقی غیرممکن است. علی‌رغم اختلاف نظر بین حقوقدانان در خصوص نحوه نگارش متون حقوقی به نحوی که برخی نگارش به زبان تخصصی را ضروری می‌دانند^۶ و برخی بر قابل فهم و

^۳ Thomas, Humphery Marshall. Citizenship and Social Class Citizenship and Social Class: And Other Essays, (University Press, 2009), 30.

^۴ گنجی، پیشین، ۶.

^۵ زهرا جهانشاهی «مطالعه تطبیقی مصادیق حقوق شهروندی در حقوق ایران و انگلستان»، مطالعات علوم اجتماعی ۴۰، ۷ (۱۴۰۰): ۱۷۹.

^۶ محمد امین موسوی، مبانی فهم حقوق (در آمدی بر فلسفه حقوق)، (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۱)، ۵۴.

صریح بودن آن تاکید دارند،^۷ در قانون‌نویسی حقوق ایران ظاهراً نظر اول پذیرفته شده است. به نحوی که به باور برخی، تقلید از قوانین سایر کشورها و ورود الفاظ بیگانه و نگارش غیراصولی برخی قوانین موجب غیرقابل فهم بودن آن برای عموم شده است.^۸ از طرف دیگر فضای مجازی و سایر ابزار عمومی تحصیل اطلاعات، موجب کسب اطلاعات سطحی و حتی گمراه کننده توسط شهروندان شده است. از این رو بدیهی است که بی‌اطلاعی و ناآگاهی شهروندان از حقوق خود موجب نادیده گرفتن حقوق آن‌ها و تحمیل زیان بر آن‌ها شده و حتی می‌توان عدم اجرای بسیاری از قوانین را ناشی از عدم آگاهی شهروندان دانست. نمونه بارز این امر، قوانین مربوط به حق کسب و پیشه در صورت فروش ملک به شهرداری یا قانون نحوه تملک اراضی و ابنیه توسط شهرداری است که از نظر برخی پژوهشگران، بعضاً مدیریت شهری در رابطه با آگاه‌سازی شهروندان از این دسته قوانین به دلیل ذینفع بودن شهرداری اهمال نموده و همراه با ناآگاهی شهروندان، زیان‌هایی را به آن‌ها وارد نمود و بالطبع بخشی از حقوق شهروندی آن‌ها در این موارد پامال شده است.^۹ بنابراین به نظر می‌رسد داشتن سواد حقوقی را باید از ضروریات جامعه فعلی محسوب نمود. البته باید توجه داشت که مراد از سواد حقوقی در پژوهش حاضر، مفهوم گسترده آن است. در حالی که در پژوهش‌های داخلی معمولاً سواد حقوقی محدود به آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی و آموزش حقوقی محدود به آگاهی یافتن شهروندان از حقوق و مسئولیت‌های خود شده است^{۱۰} و مراد از آموزش شهروندی نیز عمدتاً آموزش فرهنگ شهروندی است که شامل رشد دادن ظرفیت‌های شهروندان برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه است.^{۱۱} همان‌طور که برخی حقوقدانان به درستی اشاره کرده‌اند، سواد حقوقی را باید به‌مثابه یکی از مولفه‌های قدرت، توانایی و قابلیت شهروندان دانست.^{۱۲} از این رو منظور از دانش و سواد حقوقی سطحی از دانش حقوقی است که شهروندان بتوانند امور روزمره خود را اداره نمایند و قدرت تشخیص استفاده از متخصصان حقوقی را در موارد ضروری داشته باشد. بدیهی است مراد از سواد حقوقی در این مفهوم دانش حقوقی در سطح یک متخصص نبوده و سطحی از توانمندی و شایستگی

^۷ ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲)، ۷۴ و احمد خسروی و حامد نوروزی «حق بر فهم قانون»، مجله حقوقی دادگستری ۸۴، ۱۱۱ (۱۳۹۹): ۷۲.

^۸ احمد حبیب‌نژاد، زهرا، عامری و احمد خسروی «تعهدات دولت در گسترش سواد حقوقی با نگاهی به نظام حقوقی ایران». مطالعات حقوق عمومی ۵۰، ۱ (۱۳۹۹): ۱۸۵.

^۹ زیاری، پیشین، ۶۷.

^{۱۰} داریوش رضایپور، علیرضا گلستانی، محمد غلامی و حسن سعادت‌پور «عوامل موثر بر آگاهی شهروندان از مفهوم حقوق شهروندی»، پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی ۲۰، ۱ (۱۳۹۸): ۵۰.

^{۱۱} گنجی. پیشین، ۱۶.

^{۱۲} حبیب‌نژاد، پیشین، ۱۸۱.

در مباحث حقوقی مراد است که برای زندگی معنادار و فعال در فرهنگ حقوقی مورد نیاز است.^{۱۳} این مفهوم گسترده از سواد حقوقی، مستلزم کسب دانش، درک و قضاوت انتقادی در مورد ماهیت قانون، روند قانونی و منابع قانونی است و امکان و تشویق به استفاده از ظرفیت‌ها را فراهم می‌کند.^{۱۴} الگوی سواد قانونی^{۱۵} به معنای فهم قانون و مراحل قضایی به عنوان ضروریات زندگی شهروندان که در کلام برخی پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه آموزش شهروندی مطرح شده، باید در این راستا تحلیل نمود.

در قوانین موضوعه نیز بعضاً به مساله آموزش شهروندان توجه شده است. در بند ۵ منشور حقوق شهروندی، به حق آموزش و پرورش اشاره شده اما حق برخورداری از آموزش‌های حقوقی مورد تصریح قرار نگرفته است. در بند ۵ ماده ۸ تصویب‌نامه حقوق شهروندی در نظام اداری مصوب شورای عالی اداری به موضوع آموزش مردم اشاره شده است. مطابق این مقرر به منظور آشنا نمودن مردم از حقوق خود و فرایند اداری، دستگاه‌های اجرای باید به آموزش همگانی از طریق رسانه‌های جمعی اقدام نمایند تا مردم ضمن آشنایی با حقوق و تکالیف خود در تعامل با آن سازمان، انتظارات خود را تنظیم نمایند. در برخی قوانین دیگر نیز به صورت پراکنده در بیان وظایف برخی نهادها به مساله آموزش حقوقی تا حدودی توجه شده است. به عنوان نمونه در ماده ۴۴ قانون خط مشی کلی صدا و سیما در تبیین وظایف این سازمان به آموزش عمومی جهت آشنایی مردم با حقوق فردی و اجتماعی، قانون اساسی و قوانین مدنی و جزایی کشور اشاره شده است. یا مطابق با بند ۴ منشور حقوق شهروندی شورای اسلامی شهر تهران، شهروندان حق دارند در راستای نهادینه کردن الگوهای متعالی، از آموزش‌های شهروندی و امکانات برابر آموزشی با محتوا و رویکرد آموزه‌های دینی برخوردار باشند.

در بند ۵ این منشور نیز مقرر شده که شهروندان حق دارند از آموزش‌های شهروندی در راستای قانون‌مداری و ترویج آیین شهروندی که موجب پایبندی آن‌ها به انضباط اجتماعی می‌شود بهره‌مند شوند. در عمل نیز شهرداری‌ها به خاطر جایگاهی که در عرصه مدیریت امور شهری و ارائه خدمات همگانی دارند، ظرفیت بالایی در اجرای حقوق شهروندی دارند و از جمله نهادهای فعال در عرصه آموزش حقوق شهروندی هستند. در برخی مصوبه‌های شورای شهر نیز شاهد الزام شهرداری و نهادهای تابعه آن در جهت آموزش حقوق و

¹³ James. Boyd. White, "The invisible discourse of the law: Reflections on legal literacy and general education". U. Colo. L. Rev 54, 2 (1982):144.

¹⁴ Archie Zariski., "Legal literacy, An Introduction to Legal Studies. Canada". AU Press, Athabasca University, 2014, 21.

¹⁵ Law Literacy

تکالیف شهروندی هستیم.^{۱۶} قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری در ماده ۲۱۱ به مفهوم آموزش حقوقی توجه بیشتری نموده است. بند د ماده ۲۱۱ مقرر می‌دارد: «به منظور گسترش فرهنگ حقوقی و قضائی، اصلاح رفتار حقوقی و قضائی مردم، نهادهای سازنده فرهنگ قانون‌مداری و نیز در راستای پیشگیری از وقوع جرائم و کاهش دعاوی حقوقی، اقدامات ذیل انجام می‌شود:

(۱) آموزش همگانی طبق برنامه مصوب قوه قضائیه از طریق صدا و سیما

(۲) آموزش همگانی حقوق شهروندی در خصوص امور مالیاتی، اداری، کار و تأمین اجتماعی، محیط زیست، بانکی، بیمه‌ای و مشابه آن توسط دستگاه‌های ذی‌ربط از طریق صدا و سیما

(۳) پیش‌بینی مواد درسی لازم برای آموزش‌های مذکور در دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه

تدقیق در این مقررات موید آن است که علی‌رغم توجه به آموزش شهروندان در برخی قوانین، مساله اصلی در این حوزه، فقدان چهارچوب قانونی مشخص برای پیش‌بینی این حق و پراکنده و محدود بودن آن و نداشتن متولی جامع و منسجم است.^{۱۷} مقرر شده در منشور حقوق شهروندی در خصوص آموزش را باید محدود به آموزش‌های رسمی دانست و به دشواری می‌توان آموزش حقوقی را در این قالب قرار داد. اگرچه مقرر پیش‌بینی شده تصویب‌نامه حقوق شهروندی را گامی در راستای حق برخورداری از آموزش به عنوان یکی از حقوق شهروندی محسوب نمود اما به لحاظ محدود بودن قلمرو آن به نظر می‌رسد کافی نبوده و پاسخ‌گوی تمام نیازهای شهروندان نخواهد بود. این قوانین و مصادیق عملی آموزش توسط نهادهای مختلف نیز موید آن است که مفهوم آموزش حقوقی محدود به آموزش فرهنگ شهروندی و آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی شده است و با مفهوم سواد و آموزش حقوق در مفهوم بررسی شده در پژوهش حاضر منطبق نیست و در عمل نیز یا به رسانه‌های جمعی محدود شده و یا فقط توسط نهادهای خاصی صورت گرفته که ناکافی بودن آن در عمل اثبات شده است. به عنوان نمونه دامنه و قلمرو آموزش‌های صورت گرفته توسط شهرداری‌ها محدود است و به باور برخی پژوهشگران، به علت اینکه شهرداری‌ها دیدگاه و تعریف روشنی نسبت به آموزش

^{۱۶} مجتبی‌سالم راضی «جایگاه شهرداری‌ها از منظر حقوق شهروندی»، پژوهش و مطالعات علوم اسلامی ۳، ۳۱، ۱۴۰۰: ۷۷ و ۸۲.

^{۱۷} در نظام حقوقی ایران مرجع جامع و منسجمی به عنوان متولی حقوق شهروندی وجود ندارد. بند ب ماده ۴۲ لایحه قانونی احکام دائمی برنامه ششم توسعه، وزارت دادگستری را متولی اصلی این حقوق قرار داده است. با توجه به قسمت اخیر این ماده که اقدامات وزارت دادگستری را مانع از اختیارات و وظایف قوه قضائیه و سایر دستگاه‌های اجرائی ندانسته، نهادهای دیگری همانند هیات مرکزی نظارت بر حفظ حقوق شهروندی و ستاد نظارت بر حفظ حقوق شهروندی در دادگستری استان‌ها، ستاد صیانت از امنیت عمومی و حقوق شهروندی مستقر در دستگاه‌های اجرایی با مرجعیت وزارت کشور، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، شهرداری‌ها، اداره کل حقوقی و دفاع از حقوق شهروندی، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نیز در جهت احقاق حقوق شهروندی فعالیت می‌کنند.

حقوق شهروندی ندارند و در برنامه‌های آموزشی این نهاد، عدم تسلط به محتوا و شیوه‌های آموزشی مشهود و در انتخاب محتوای آموزشی دقت کافی صورت نمی‌گیرد و به آموزش فرهنگ ترافیک، حفاظت از محیط زیست و مضامینی از این دست محدود می‌شود، موفق عمل نکرده است.^{۱۸}

۲. حق دسترسی به خدمات حقوقی از منظر حقوق شهروندی

علاوه بر دانش حقوقی، وجود سازو کارهای قانونی جهت بهره‌مندی از خدمات حقوقی مورد نیاز نیز از ضروریات جامعه فعلی در پیشگیری از ایجاد اختلافات و اقامه صحیح دعاوی است. با پیچیده شدن روابط اجتماعی، همواره با شکل جدیدی از اختلافات مواجه هستیم که نیازمند پیگیری‌های قضایی هستند. اقامه دعوا و پیگیری صحیح دعاوی، نیازمند دانش و سواد حقوقی از یک طرف و در دسترس بودن خدمات حقوقی از طرف دیگر است. با توجه به استانداردها و شرایط زندگی اجتماعی معاصر، دسترسی به خدمات حقوقی را نیز باید از مصادیق حقوق شهروندی محسوب نمود. مراد از این حق، وجود ساز و کارهای قانونی مناسب برای دریافت خدمات حقوقی جهت اقامه و پیگیری دعاوی در مراجع صالح قضایی است.

بخش اصلی در دسترس بودن خدمات حقوقی، با در دسترس بودن متخصصین این حوزه ارتباط دارد. مراجعه به وکلا و مشاوران حقوقی یکی از راهکارهای دریافت اطلاعات حقوقی است که در حال حاضر دلایل فرهنگی و عدم احساس نیاز به استفاده از وکلا در فرهنگ مردم ایران از یک طرف و مشکلات اقتصادی و هزینه‌های داشتن وکیل از طرف دیگر موانعی در این مسیر ایجاد نموده‌اند. در برخی پژوهش‌های صورت گرفته نیز مساله حق الوکاله به عنوان یکی از موانع اصلی عدم گرایش به استفاده از وکیل مورد تایید قرار گرفته است.^{۱۹} در عمل نیز میزان استفاده از وکلا در دعاوی کم است و مطابق با برخی گزارشات صرفاً ۵ درصد دعاوی توسط وکلا مطرح می‌شوند.^{۲۰} بخش دیگری از خدمات حقوقی ناظر به ارائه خدمات برای شهروندانی است که به دلایل مختلف، دعاوی خود را شخصاً مطرح می‌نمایند و وکیل دادگستری در دعاوی آن حضور ندارد. دریافت مشاوره، تنظیم شکواییه، لوابیح، دادخواست‌ها، راهنمایی در خصوص مراجع صالح و نحوه اقدام و مواردی از این قبیل را باید از مصادیق اصلی این خدمات دانست.

^{۱۸} همان، ۸۹.

^{۱۹} خلیل آفنداک «بررسی علل گرایش طرفین دعوی به انتخاب وکیل در شهرستان اهر» مجله دادرسی، ۱۰۸ (۱۳۹۳): ۵۳.

^{۲۰} خبرگزاری فارس، ۱۸/۷/۱۴۰۰

البته در نظام حقوقی ایران با توجه به موانع مربوط به استفاده از خدمات وکلا و در راستای معاضدت حقوقی به شهروندان، مقرراتی پیش‌بینی شده است که امکان ارائه خدمات حقوقی را به شهروندان معسر فراهم می‌نماید. مطابق با ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی، معاضدت برای اشخاص معسر شامل معافیت موقتی از تمام یا قسمتی از هزینه‌های دادرسی در مورد دعوایی که برای معافیت از هزینه آن ادعای اعسار شده و حق داشتن وکیل معاضدتی است. نحوه درخواست استفاده از وکلای معاضدتی و تعهدات وکلا در خصوص پذیرش این نوع وکالت نیز در قانون وکالت و آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰ پیش‌بینی شده است.^{۲۱} ماده ۳ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، قانون برنامه اول^{۲۲} و دوم^{۲۳} و سوم^{۲۴} و چهارم^{۲۵} توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی نیز از دیگر قوانین هستند که مقرراتی در خصوص معاضدت مطرح نموده‌اند. قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری در قسمت خط‌مشی‌های اساسی در بند ۲-۱۳ ایجاد نظام منسجم و فعال در معاضدت قضایی نظیر فعال ساختن دوایر ارشاد، تقویت آموزش‌های قضایی، کانون وکلا و کارشناسان رسمی و پزشکی قانونی به منظور احقاق حقوق مردم مطرح نموده است. ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری که ضابطان دادگستری را مکلف به آگاه نمودن شاکی بر بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی نموده و ماده ۱۷۲ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۴۰۰ که خدمات معاضدت قضایی و مشاوره حقوقی رایگان به زندانیان را مقرر نموده، از دیگر مستندات در راستای ارائه خدمات حقوقی است.

اگرچه این قوانین را باید گامی مثبت در راستای حق دسترسی به خدمات حقوقی برای شهروندان دانست اما امروزه مفاهیم سنتی معاضدت حقوقی مورد چالش قرار گرفته و معاضدت در مفاهیم جدید قلمرو وسیعی یافته است و به گفته برخی حقوقدانان علاوه بر یاری و مساعدت در مراحل قضایی و دادرسی، اقدامات گسترده و فراگیر در جهت دسترسی به دادرسی عادلانه و ارتقای فرهنگ حقوقی از طریق آموزش و ارائه خدمات را نیز شامل می‌شود و در این مفهوم به توانمندسازی حقوقی افراد منجر می‌شود.^{۲۶} علی‌رغم اینکه خط‌مشی‌های مقرر در قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری در صورت تحقق، گامی مثبت در راستای مفاهیم جدید معاضدت است اما تدقیق در سایر قوانین مطروحه موید آن است که با وجود سابقه طولانی مقررات

^{۲۱} ماده ۲۴ و ۲۳ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ و ماده ۱۷ آیین‌نامه

^{۲۲} قسمت یک‌بندی خط‌مشی‌ها ۴-۹

^{۲۳} بند ۱۳ قسمت خط‌مشی‌های اساسی

^{۲۴} ماده ۱۵۸ و ۱۸۷

^{۲۵} ماده ۱۳۰

^{۲۶} محمد مهدی مقدادی «ضرورت تحول معاضدت حقوقی در جمهوری اسلامی و فواید آن»، دین و قانون ۴، ۱۴ (۱۳۹۵): ۸۷.

معاضدت در ایران، مفهوم محدود و سنتی معاضدت بیشتر مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و چهارچوب نظام و سامانه فعلی همین مقررات نیز از نظر برخی حقوقدانان در وضعیت محدود و نامناسبی قرار دارد و بسیاری از مردم نسبت به اعمال حق معاضدت محروم بوده و حتی کمترین اطلاعاتی در مورد آن ندارند.^{۲۷} از این منظر برخی حقوق دانان نیز بر با تأکید بر تعدد، نوع و نامنظم بودن و توجه صرف به مفهوم محدود معاضدت، ضرورت تدوین قانون جامع و هماهنگ و به روز را در این حوزه مطرح نموده‌اند.^{۲۸} پیش‌بینی نهادهای مشاوره در سطح کانون وکلا و قوه قضاییه و سامانه تلفنی و آنلاین مشاوره حقوقی قوه قضاییه، گام مفیدی در تحقق اهداف قانون برنامه پنج‌ساله دوم و تسهیل ارائه خدمات حقوقی به شهروندان محسوب می‌شوند اما ناکافی بودن آن در عمل اثبات و این اقدامات نتوانسته رافع تمام نیازهای حقوقی شهروندان باشند. بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به ناکافی بودن اشکال معاضدت فعلی و در راستای رفع مشکلات مربوط به نقض حقوق شهروندی و کاهش اختلافات و دعاوی قضایی، ضرورت توجه و اهتمام بیشتر به ارائه خدمات حقوقی مناسب از منظر حقوق شهروندی کاملاً احساس می‌شود.

۳. نقش کلینیک‌های حقوقی در تحقق حق دریافت آموزش حقوقی و حق دسترسی به خدمات حقوقی

با توجه به خلاءهای موجود در خصوص حق شهروندان مبنی بر دریافت آموزش حقوقی و خدمات حقوقی شهروندان به شرحی که گذشت، ایجاد سازوکارهای قانونی مناسب جهت ارتقای آگاهی‌های حقوقی شهروندان به عنوان یکی از ابزار پیشگیری از ایجاد اختلافات حقوقی و ارائه خدمات حقوقی مورد نیاز جهت معاضدت و طرح صحیح دعاوی در مراجع قضایی ضروری است. اهمیت معاضدت حقوقی در مفهوم جدید آن در نظام‌های حقوقی مختلف موجب استفاده از راهکارهای متعدد شده و نهادهای حقوقی مختلفی در راستای معاضدت وجود دارند. وکلای معاضدتی، موسسات مختلف ارائه دهنده خدمات حقوقی به افراد بی‌بضاعت، قراردادهای خدماتی توسط شرکت‌های حقوقی^{۲۹} بیمه هزینه‌های دادرسی^{۳۰}، تامین هزینه‌های دادرسی توسط ثالث^{۳۱} حق الوکاله‌های

^{۲۷} همان، ۹۱.

^{۲۸} محمود عباسی و مریم شعبان «کلینیک‌های حقوق شهروندی در ایران: چیستی و چگونگی»، مطالعات حقوق شهروندی، ۱، ۴ (۱۳۹۶): ۵۱.

^{۲۹} Contracts for services by law firms

برای مطالعه در خصوص این قراردادها نک به:

Wilson, Richard "Legal Aid and Clinical Legal Education in Europe and the USA: Are They Compatible?". In Outsourcing Legal aid in the Nordic Welfare States, edited by Olaf Halvorsen Rønning, Ole Hammerslev, palgrave mcmillan, 2018, 265,266.

^{۳۰} Legal Expenses Insurance

بیمه هزینه‌های حقوقی یکی از راهکارهای معاضدت و افزایش دسترسی شهروندان به عدالت مورد توجه نظام‌های اروپایی قرار گرفته است. این بیمه‌ها که هزینه‌های اقامه دعاوی یا دفاع در برابر دعاوی را تحت پوشش قرار می‌دهند، از دهه ۱۹۸۰ در بسیاری از نظام‌های حقوقی مورد توجه قرار گرفته و در حال حاضر در اکثر

مشروط یا احتمالی^{۳۲} از جمله این موارد هستند^{۳۳} که در گسترش اسباب معاضدت در نظام‌های حقوقی مختلف موثر بوده‌اند. این در حالی است که در حقوق ایران اسباب معاضدت محدود به مفهوم سنتی آن بوده و به انتخاب وکیل معاضدت محدود شده است. با توجه به فقدان نهادها و راهکارهای مذکور در حقوق ایران، راهکار ارائه شده در پژوهش حاضر برای جبران این خلاءها، استفاده از ظرفیت‌های کلینیک‌های حقوقی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۳-۱ تعریف و جایگاه کلینیک‌های حقوقی در حقوق ایران

کلینیک‌های حقوقی نهادهایی هستند که به منظور حمایت از شهروندان جامعه در مواقعی که حقوق اجتماعی آن‌ها تحت الشعاع قرار می‌گیرد و در پاسخ به نیاز به حمایت از سوی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، برای ارائه مشاوره، معاضدت، مددکاری،

نظام‌های اروپایی کاربرد دارند. نظام قضایی اتحادیه اروپا بیمه‌های هزینه‌های حقوقی را به این شکل تعریف می‌کند: «یک شرکت بیمه که در مقابل پرداخت حق بیمه، تعهد به تأمین هزینه‌های دادرسی و سایر خدمات مرتبط با پوشش بیمه را به ویژه با توجه به موارد زیر می‌نماید. الف) جبران خسارت شخص بیمه شده از طریق مصالحه در خارج از دادگاه یا از طریق دادرسی مدنی یا کیفری؛ و ب) دفاع یا نمایندگی از شخص بیمه شده در دادرسی‌های مدنی، کیفری، اداری یا سایر موارد یا در رابطه با هرگونه ادعای مطرح شده علیه آن شخص» برای مطالعه در خصوص این نوع بیمه‌ها نک به: ناهید صفری «ارزیابی بیمه هزینه‌های دادرسی از منظر حقوق مصرف‌کنندگان» حقوقی دادگستری ۸۶، ۱۱۸ (۱۴۰۱): ۱۶۳-۱۸۳.

Anna McNee, "Legal Expenses Insurance and Access to Justice". Legal Policy & Research Unit International Bar Association. (2019), 12.

³¹Third Party Funders (TPFs)

برای مطالعه در خصوص این موضوع نک به:

Christopher, Hodges Stefan Vogenauer, and Magdalena Tulibacka, Costs and Funding of Civil Litigation: A Comparative Study, Oxford Legal Studies Research No. 55-2009.

³² Conditional Fee Agreements

حق الوکاله‌های مشروط و احتمالی با مشروط کردن پرداخت حق الوکاله به پیروزی در دعوا از جمله راهکارهایی است که در راستای معاضدت و افزایش دسترسی به عدالت مورد توجه نظام‌های حقوقی مختلف واقع شده است. در این نوع حق الوکاله‌ها، پرداخت حق الوکاله مشروط به نتیجه دعواست؛ به نحوی که در صورت شکست در دعوا حق الوکاله‌ای به وکیل تعلق نخواهد گرفت و در صورت پیروزی در دعوا، چند برابر تعرفه حق الوکاله و یا درصدی از محکوم‌به، به او تعلق خواهد گرفت. برای مطالعه در خصوص این نوع حق الوکاله‌ها نک به: ناهید صفری و آرتین جهانشاهی، «حق الوکاله‌های احتمالی و مشروط»، مطالعات حقوقی ۱۲، ۲ (۱۳۹۹): 163-194.

³³ به عنوان نمونه شرکت خدمات حقوقی فدرال (LSC) بزرگترین مرکز در ایالات متحده آمریکا است که در سال ۱۹۷۴ تأسیس شد. اگرچه بودجه ایالتی و محلی در حال حاضر تقریباً دو برابر بودجه LSC است، LSC بزرگترین ارائه دهنده خدمات حقوقی مدنی و مرتبط برای فقرا است. البته محدودیت‌هایی برای این مرکز وجود دارد از جمله اینکه برخی اقشار جامعه همانند مهاجران و برخی دعاوی مانند دعاوی جمعی و دعاوی کیفری را شامل نمی‌شود. Wilson op.cit, 266.

برای مطالعه در خصوص انواع مختلف معاضدت‌ها در آمریکا نک به:

Houseman, Alan w. Civil legal aid in the united states, National Report for the United States prepared for the International Legal Aid Group (ILAG) (2018).

راهنمایی، آموزش و ... در زمینه‌های مربوط به حقوق شهروندی تعریف می‌شوند.^{۳۴} توجه به کلینیک‌های حقوقی در ادبیات حقوقی ایران سال‌هاست از طرف نویسندگان حقوقی مورد توجه قرار گرفته است اما در عمل تا رسیدن به حد مطلوب خود فاصله دارند و توجه و اهتمام بیشتر ضروری است. تاسیس این کلینیک‌ها با آموزه‌های دینی جامعه ما که همواره بر حمایت از محرومین و گسترش عدالت و ارائه خدمات عام المنفعه در جامعه توصیه دارد، همسوست و به نظر می‌رسد در شرایط فعلی در مقایسه با سایر اسباب معاضدت به علت در برداشتن حوزه‌های مختلف وظایف آموزشی و خدماتی می‌توانند راهکار مناسبی برای افزایش سواد حقوقی مناسب در سطح جامعه و ارائه خدمات حقوقی مورد نیاز باشند. گسترده بودن دامنه خدمات حقوقی این کلینیک‌ها را باید از امتیازات آن دانست. برگزاری جلسات و دوره‌های آموزشی کوتاه مدت، کارگاه‌های آموزشی، تهیه بروشورهای علمی و ارائه مشاوره‌های حقوقی و روان-شناختی و مددکاری اجتماعی و معاضدت حقوقی را باید از جمله فعالیت‌های کلینیک‌های حقوقی است.

در ایران، کلینیک‌های حقوق شهروندی در نقاط مختلف کشور راه اندازی شده و عملکرد برخی از کلینیک‌ها از جمله کلینیک‌های حقوق شهروندی تاسیس شده در اداره کل حقوق بشر، امور بین الملل و حقوق شهروندی وزارت دادگستری که در چند استان مانند یزد و قزوین تاسیس شده‌اند، رضایتبخش بوده است.^{۳۵} در نظام دانشگاهی ایران نیز ایده تشکیل کلینیک‌های حقوقی به تبعیت از سایر کشورها^{۳۶} بیش از یک دهه است که با اقتباس نسبتاً ناقص از نمونه‌های مشابه در سایر کشورها، توسط برخی دانشگاه‌ها مورد

^{۳۴} عباسی، پیشین، ۷۱.

^{۳۵} همان، ۶۳.

^{۳۶} توجه به کلینیک‌های حقوقی در جهان به ویژه به شکل دانشگاهی آن تا حدی است که برخی از جنبش جهانی کلینیکی صحبت می‌کنند. جنبش «اتحاد جهانی برای آموزش عدالت» که از ۴۰ سال گذشته در حال فعالیت است از جمله جنبش‌های مهم در این زمینه است. این جنبش تلاشی تلفیقی از متخصصان حقوقی، دانشگاهیان، دانشجویان و فعالان برای ایجاد تغییر در رویکرد عدالت از طریق آموزش حقوقی است. انتقادات وارد شده بر نحوه تدریس حقوق در دانشگاه‌های جهان و ضرورت توجه به کاربردی کردن حقوق، مساله آموزش کلینیکی حقوقی را در سطح جهان مطرح نموده و ظهور کلینیک‌های حقوقی عمدتاً با توسعه آموزش‌های حقوقی پیوند خورده است. ایالات متحده از اولین کشورهایایی است که با اصلاح روش آموزش حقوق در دانشگاه‌ها تاسیس کلینیک‌های حقوقی را آغاز کرده و حجم زیادی از خدمات حقوقی رایگان در قالب این کلینیک‌ها ارائه می‌شود. علاوه بر آمریکا، کلینیک‌های حقوقی در اروپای غربی نیز با سرعت زیادی رشد کرده و در کشورهای اتریش، بلژیک، فرانسه، آلمان ایتالیا، هلند، نروژ، و اسپانیا شاهد فعالیت کلینیک‌های حقوقی هستیم. در حال حاضر یک سازمان منطقه‌ای نیز تحت عنوان شبکه اروپایی آموزش کلینیکی حقوق وجود دارد که همراه با سایر موسسات در حال ارائه خدمات حقوقی هستند. برای مطالعه در خصوص این جنبش و تاریخچه و نحوه و علل شکل‌گیری کلینیک‌های حقوقی در کشورهای مختلف نک به:

بلک، فرانک. جنبش جهانی کلینیکی، آموزش حقوقدانان برای عدالت اجتماعی، ترجمه علی اکبر سیابوش و دیگران، (قم: نشر غمزه، ۱۴۰۱).

Yubaraj Sangroula, "Social justice jurisprudence of clinical education programme: A paradigm shift from legal education to justice education". *Jindal Global Law Review* 11,2, (2020): 344.

Bloch, Frank. S. "Access to justice and the global clinical movement". *Wash. UJL & Pol'y* 28 (2008):111-139.

Shuvro. Prosun. Sarker. *Clinical legal Education in Asia: Accessing justice for the underprivileged*. New York: Palgrave Macmillan, 2016, 1-Wilson, op.cit:265, 281

توجه قرار گرفته و در این راستا کلینیک‌های حقوقی متعددی نیز ایجاد شده‌اند.^{۳۷} دانشگاه مفید قم، شهید بهشتی، فردوسی مشهد، میبد، مراغه، ابن سینا، خوارزمی، شهید چمران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان و بندر عباس و ... از جمله نهادهای دانشگاهی هستند که کلینیک‌های حقوقی را تاسیس نموده‌اند.^{۳۸}

۳-۲ مزایای تاسیس کلینیک‌های حقوقی

علیرغم تعیین اهداف متعدد برای کلینیک‌های حقوقی، اکثر کلینیک‌های حقوقی بر دو هدف اصلی و مهم رفع خلاءهای آموزش حقوق و تحقق عدالت در جامعه متمرکز هستند. از این رو مزایا و فواید این کلینیک‌ها با توجه به این دو هدف قابل تبیین است.

۳-۲-۱ کارکرد آموزشی کلینیک‌های حقوقی

یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل کلینیک‌های حقوقی اهداف آموزشی آن است. این هدف گروه‌های مختلفی را شامل می‌شود. با توجه به رویکرد اصلی کلینیک‌های حقوقی مبنی بر استفاده از دانشجویان حقوق، یکی از مزایای اصلی کلینیک‌های حقوقی، آموزش دانشجویان است. به لحاظ ارتباط تنگاتنگ رشته حقوق با جامعه لازم است که آموزش‌های حقوقی صرفاً به صورت تئوریک نبوده و دانشجویان به صورت کاربردی و عملی نیز آموزش ببینند. این در حالی است که آموزش حقوق در کشور ما در حوزه آموزش عملی و کاربردی با ضعف قابل توجهی مواجه است و همین مسئله موجب شده دانش‌آموختگان رشته حقوق در وضعیت فعلی، مهارت‌های عملی لازم را نداشته باشند. به همین دلیل کلینیک‌های حقوقی مکان مناسبی برای یادگیری مهارت‌های لازم به صورت عملی و کاربردی هستند. البته این ضعف منحصر به ایران نبوده و ظهور کلینیک‌های حقوقی در جهان نیز به انتقادات وارد شده بر نحوه تدریس حقوق در دانشگاه‌ها و ضرورت توجه به کاربردی کردن حقوق و به عبارتی با توسعه روزافزون آموزش‌های حقوقی پیوند خورده است.^{۳۹} مهم‌ترین مهارت‌ها و توانایی‌های حقوقی که در کلینیک‌های حقوقی آموخته می‌شوند، عبارتند از: توانایی حل مسئله، تحلیل و استدلال حقوقی، شناسایی و جست‌وجو در مورد مسائل حقوقی، تحقیق و بررسی، توانایی برقراری ارتباط، مشاوره دادن،

^{۳۷} محمد قاسم تنگستانی «کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی؛ از چیستی و چرایی تا چگونگی تحقق و فعالیت»، مجله حقوقی دادگستری ۸۷، ۱۲۱ (۱۴۰۲): ۹۴.

^{۳۸} محمود عباسی و لیلا میربد «کلینیک‌های حقوقی؛ ساز و کار مطلوب حمایت و تحقق حقوق کودک»، حقوق کودک ۲، ۸ (۱۳۹۹): ۱۹.

^{۳۹} بلک، پیشین، ۳۸.

مذاکره کردن، کسب دانش آیین دادرسی، مهارت‌های مربوط به استفاده از روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات و سازمان‌دهی و مدیریت حرفه‌ای.^{۴۰}

علاوه بر دانشجویان، کلینیک‌های حقوقی ثمرات آموزشی قابل توجهی برای وکلا و اساتید حقوق دارد. هم‌نشینی وکلا با اساتید دانشگاه و حضور مستمر در یک محیط علمی دانشگاهی موجب روزآمد شدن دانسته‌های حقوقی آن‌ها و آشنایی با نظریات جدید حقوقی می‌شود. هم‌چنین حضور در کلینیک‌های حقوقی، حس مسئولیت‌پذیری وکلا در قبال محرومین جامعه را بر می‌انگیزد. از سوی دیگر، حضور اساتید حقوق در کلینیک‌ها نیز آن‌ها را با مسائل به‌روز و کاربردی حقوقی در جامعه آشنا نموده و فرصتی برای آن‌ها ایجاد می‌کند تا آثار اندیشه‌های حقوقی را در بستر اجتماع دریابند و به نوعی بازتاب آنچه در کلاس درس به صورت تئوری بیان کرده‌اند، در عالم واقع مشاهده کرده و بدین ترتیب فرصت ارزیابی قواعد حقوقی را به دست آورند که این خود کارآمدی علم در جامعه را به ارمغان خواهد آورد. از سوی دیگر مشاهده مسائل و خلاءهای حقوقی می‌تواند اندیشه‌ها و قواعد حقوقی نوینی را در ذهن اساتید دانشگاهی خلق کند.^{۴۱}

۳-۲-۲ کارکرد معاضدتی کلینیک‌های حقوقی

در اکثر نظام‌های حقوقی، خدمات حقوقی در شمار گران‌ترین خدمات است. بسیاری از مردم، به ویژه در کشورهای در حال توسعه حتی اگر باور به ضرورت استفاده از خدمات حرفه‌ای وکلا و کارشناسان حقوقی داشته باشند، به دلیل محدودیت‌های مالی توان مراجعه به آن‌ها را ندارند. این امر سبب می‌شود آن‌ها نتوانند یکی از مهم‌ترین حقوق بشری خود در فرایند دادرسی، یعنی حق استفاده از وکیل را اعمال کنند، موضوعی که گاه به تضییع گسترده حقوق آنان منجر می‌شود.^{۴۲} از این رو ارائه خدمات حقوقی به جامعه با فراهم کردن یا تسهیل دسترسی به عدالت به خصوص برای اقشار نیازمند و سایر اشخاص متقاضی، به عنوان کارکرد دیگر

⁴⁰. Łomowski, Darusiz. The Legal Clinic: The Idea, Organization, Methodology. The Legal Clinics Foundation: Wydawnictwo C.H. Beck, ul. Gen. Zajączka 9, 01-518 Warsaw, Poland. (2005): 188.

^{۴۱} مصطفی فضایی و فاطمه سادات حق شناس. «نقش کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی و مسجد محور در ارتقای آموزش حقوق بشر در جوامع مسلمان». فصلنامه پژوهش حقوق تطبیقی و اسلام و غرب ۴، ۴ (۱۳۹۶) ۱۳۰.

^{۴۲}. مسعود نوری. «کلینیک حقوقی دانشگاهی، پیوستی، چرایی، چشم انداز فرارو»، حقوق بشر ۲، ۱ (۱۳۸۶): ۱۳۳.

کلینیک‌های حقوقی قابل طرح است. این کلینیک‌ها با اتخاذ اهداف انسان دوستانه سعی در توانمندسازی حقوقی اشخاص کم‌درآمد و فاقد توانایی مالی برای استفاده از وکیل به‌ویژه در موضوعات مسکن، خانواده، مهاجرت و قانون کار دارند.^{۴۳}

به باور برخی، کلینیک‌های حقوقی با شناسایی دقیق موارد ایجادکننده اخلال نظم در محیط جامعه و آسیب‌های اجتماعی و افزایش امکان حمایت از افراد در مقابل تضییع احتمالی حقوق ایشان و همچنین نحوه بهره‌مندی آن‌ها از حقوق و امتیازات شهروندی در جامعه، گام مهمی در راستای ارتقاء جایگاه انسان در جامعه و حفظ شأن و کرامت او بر می‌دارند. این کلینیک‌ها سبب می‌شوند حتی آن دسته از آحاد جامعه که توانایی پرداخت حق‌الوکاله را ندارند پیش از طرح دعوا یا در صورت فراخوانده شدن به محکمه قبل از حضور در برابر قاضی از مشاوره‌های حقوقی بهره‌مند شوند. این امر موجب می‌گردد که بسیاری از دعاوی به مصالحه طرفین خاتمه یافته و نیز آن قسم از دعاوی که به دادگاه کشیده می‌شوند، به طور صحیح و منقح مطرح گردند. به عبارت دیگر خدمات کلینیک‌های حقوقی باعث می‌شود کمیت پرونده‌های قضایی کاهش و کیفیت آن‌ها افزایش یابد و این امر، دستاورد ارزنده‌ای برای دستگاه قضایی است. چنین دستاوردی زمینه را برای صرف وقت بیشتر برای هر پرونده از سوی قاضی فراهم آورده و خروجی دستگاه قضایی را علاوه بر کارکرد فیصله‌دهی، در محافل علمی و آکادمیک قابل استفاده می‌سازد.^{۴۴}

۳-۳ چالش‌ها و موانع تشکیل کلینیک‌های حقوقی

موانع و چالش‌های متعددی در مسیر فعالیت کلینیک‌های حقوقی وجود دارند. حجم بالای مراجعات، فقدان مقررات در خصوص اعطای پروانه کار محدود حقوقی به دانشجویان فعال در کلینیک‌ها، مقاومت کانون‌های وکلای دادگستری در مورد مشارکت افراد فاقد پروانه وکالت در امر مشاوره حقوقی به لحاظ این‌که ارائه کمک‌های رایگان حقوقی ممکن است بر بازار کار وکلا تأثیر داشته باشد، عدم مهارت کافی دانشجویان و کارآموزان وکالت، موقعیت نامناسب و عدم دسترسی راحت به کلینیک، ضعف در برقراری ارتباط با سازمان‌های دیگر به علت کمبود تبلیغات و اطلاع‌رسانی و عدم وجود نظام نظارتی مناسب بر کلینیک‌ها از جمله چالش‌های مطرح شده توسط برخی پژوهشگران است.^{۴۵} از این میان، در نظام حقوقی ایران سه موضوع را باید واجد اهمیت بیشتری دانست که عبارتند از:

^{۴۳} Ronan Fahy & Mireille Van Eechoud, Establishing a Start-up Law Clinic in Law School: A Practical Guide. Institute for Information Law, University of Amsterdam(2015):3

^{۴۴} عباسی، ۱۳۹۶، پیشین، ۷۱ و ۷۴

^{۴۵} میسون مک‌کوئید، دیوید جان، روبین پالمیر. راهنمای کارکنان کلینیک‌های حقوقی (مورد: کلینیک‌های حقوقی آفریقای). مترجم عبدالله تقوی. ویرایش اول، تهران: پژوهشگاه فقه قضاییه، ۱۳۹۹. ص ۷۶، ۷۹، ۸۰.

۱-۳-۳ موانع مربوط به الزامات قانونی

تشکیل و ادامه حیات کلینیک‌ها مستلزم وجود چهارچوب قانونی مناسب و وجود قوانین و مقررات کافی در این عرصه است. بدون وجود چهارچوب قانونی مناسب و تبیین تمام ابعاد قانونی تشکیل و سازماندهی و فعالیت کلینیک‌های حقوقی به نحو شفاف و دقیق، فعالیت این کلینیک‌ها در عمل با مانع مواجه خواهد بود. این در حالی است که تدقیق در قوانین و مقررات موجود موید آن است که علی‌رغم فعالیت برخی کلینیک‌های حقوقی در ایران، در نظام حقوقی ایران، قوانینی در خصوص ایجاد و فعالیت کلینیک‌های حقوقی به تصویب نرسیده است. صرفاً تبصره ۲ ماده ۵۰ آیین‌نامه اجرایی ماده (۶) قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوب ۳۰/۰۳/۱۴۰۰ هیئت وزیران) قابل اشاره است که بر اساس آن، به منظور اجرای تکالیف مقرر در آیین‌نامه فوق در خصوص آموزش و ترویج حقوق کودک و مشاوره و معاضدت حقوقی، مرجع ملی حقوق کودک (وزارت دادگستری) از طریق ایجاد مجموعه خدمات کلینیک‌های حقوق کودک با هماهنگی سازمان بهزیستی اقدام می‌نماید و اخیراً وزارت دادگستری نیز اقداماتی را برای ایجاد برخی کلینیک‌های حقوق کودک انجام داده است.^{۴۶}

۲-۳-۳ موانع مالی

یکی دیگر از چالش‌های مهم پیش‌روی کلینیک‌های حقوقی، فقدان بودجه کافی برای تشکیل کلینیک است. طبیعی است که تشکیل کلینیک‌های حقوقی نیازمند امکاناتی همانند اختصاص محیط فیزیکی مناسب، تدارک امکانات و تجهیزات اداری لازم و صرف هزینه‌هایی همانند اجاره محل دفتر کلینیک، هزینه تجهیزات و لوازم سخت افزاری، نرم افزاری و اداری و مواردی از این قبیل است. تأمین مالی اعضای کلینیک حقوقی از جمله دانشجویان تحت آموزش، اعضای هیأت علمی، وکلا و کارآموزان از دیگر موارد است. غالباً این مشکل در کلینیک‌های دانشگاهی به علت عدم پیش‌بینی منابع مالی کافی در بودجه برجسته‌تر است.

۳-۳-۳ موانع مربوط به تامین نیروی انسانی

چالش مهم دیگر در خصوص تامین نیروی انسانی کارآمد است. کلینیک‌های حقوقی معمولاً با بهره‌گیری از ظرفیت دانشکده‌های حقوق تأسیس می‌شوند و دانشجویان و فارغ‌التحصیلان حقوقی یا کارآموزان وکالت اصلی‌ترین اعضای اداره کننده کلینیک‌های حقوقی هستند. وکلا، اعضای هیأت علمی، از دیگر نیروی‌های انسانی کلینیک‌های حقوقی هستند و استفاده از دانش و تجربه آن‌ها به عنوان منابع انسانی در ارائه خدمات کلینیک ضرورت دارد. تامین نیروی انسانی مورد نظر کلینیک‌ها علاوه بر تخصیص بودجه،

^{۴۶} تنگستانی، پیشین، ۹۸-۹۹.

نیازمند پیش‌بینی ساز و کاری مطلوب جهت جذب نیروی انسانی کارآمد است. از آنجا که کلینیک‌های حقوقی بستری برای ارائه آموزش‌های تخصصی و فراهم شدن موقعیتی برای آشنایی کاربردی با دعاوی مختلف و همچنین مهارت‌های لازم جهت برقراری ارتباط با مراجعان هستند، معمولاً فعالیت در کلینیک‌ها با استقبال دانشجویان، فارغ‌التحصیلان حقوقی و کارآموزان وکالت مواجه خواهد شد. با این وجود با توجه به فضای حاکم بر آموزش نظری دانشگاهی، اکثر فارغ‌التحصیلان حقوقی فاقد مهارت‌های لازم در این خصوص بوده و کسب مهارت و دریافت آموزش‌های مورد نظر را باید پیش شرط فعالیت در کلینیک‌های حقوقی دانست. آموزش اعضای کلینیک و برگزاری دوره‌های آموزشی برای اعضای کلینیک توسط نهادهایی همانند کانون وکلا و اعضای هیأت علمی، علاوه بر تخصیص بودجه کافی، نیازمند همکاری این نهادهاست که در عمل ممکن است چالش‌هایی را ایجاد نماید. همچنین حضور مستمر و نظارت پایدار استاد و وکیل راهنما جهت ارتقای کیفیت عملکرد کلینیک‌ها ضرورت دارد و عدم همکاری این افراد از جمله موانع و چالش‌های مهم این عرصه است. اکثر اعضای هیأت علمی رشته حقوق، وکیل هستند، ضمن اینکه فرصت کافی برای فعالیت در کلینیک حقوقی ندارند، مشوق‌های کافی برای ایجاد انگیزه جهت فعالیت توسط دانشگاه هم معمولاً به دلیل وجود موانع مالی و اداری ایجاد نمی‌شود. ایجاد انگیزه برای هیأت علمی یا از طریق مشوق‌های مالی یا پیش‌بینی امتیازهای اجرایی و پژوهشی مورد نیاز برای ارتقا از طریق انعقاد تفاهم‌نامه‌هایی با وزارت علوم و دانشگاه‌ها امکان‌پذیر است. ناکافی بودن درآمد حاصله از فعالیت در کلینیک برای وکلا در مقایسه با فعالیت حرفه‌ای آن‌ها از موانع مهم فعالیت وکلا محسوب می‌شود. اگرچه نقش بالقوه کلینیک‌های حقوقی در تبلیغ وکلا و معرفی آن‌ها به شهروندان و جذب غیرمستقیم پرونده برای وکیل می‌تواند مشوق برخی وکلا جهت فعالیت در کلینیک‌ها باشد و از این منظر می‌توان تلاش در جهت جلب همکاری این افراد نمود.

نتیجه‌گیری

داشتن سواد حقوقی و دسترسی به خدمات حقوقی به عنوان یکی از ضروریات جامعه کنونی در پیشگیری از ایجاد اختلافات و اقامه صحیح دعاوی سهم‌به‌سزایی دارد و با توجه به استانداردها و شرایط زندگی اجتماعی معاصر، باید آن را از مصادیق حقوق شهروندی محسوب نمود. در حالی که مطالعه قوانین موضوعه در حوزه حقوق شهروندی موید آن است که مساله آموزش حقوقی و دریافت خدمات حقوقی به عنوان مصداق حقوق شهروندی جز به صورت پراکنده، در قوانین موضوعه چندان مورد توجه قرار نگرفته است. علی‌رغم فعالیت برخی نهادها در طی سال‌های اخیر در حوزه حقوق شهروندی، در عمل تلاش‌های صورت گرفته در راستای ارتقای آگاهی‌های حقوقی کافی نبوده و فقدان قوانین موضوعه مناسب از یک طرف و فقدان متولی مشخص در عرصه حقوق شهروندی از

طرف دیگر موجب شده دسترسی به آموزش و خدمات حقوقی از منظر حقوق شهروندی مورد توجه قرار نگیرد و در عمل نیز توجه به آموزش شهروندان به رسانه‌های جمعی محدود شده و یا فقط توسط نهادهای خاصی به صورت محدود صورت گیرد. از این رو ضرورت توجه و اهتمام بیشتر به مساله توسط نهادهای دیگر کاملاً احساس می‌شود.

بازنگری در مفهوم معاضدت حقوقی و تاکید بر توانمندسازی حقوقی افراد در مفاهیم جدید معاضدت، ضرورت استفاده از راهکارهای مناسب معاضدتی متناسب با شرایط فعلی جامعه را در حقوق ایران نیز مطرح می‌نماید. با توجه به تجارب مثبت سایر نظام‌های حقوقی در تاسیس کلینیک‌های حقوقی و نمونه‌های رضایت بخش داخلی، به نظر می‌رسد این کلینیک‌ها به عنوان نهادی با وظایف متعدد آموزشی و خدماتی می‌توانند خلاءهای مربوط به سواد حقوقی و برخورداری از خدمات حقوقی در نظام حقوقی ایران را تا حد زیادی جبران نمایند. علی‌رغم فعالیت برخی کلینیک‌ها در سطح کشور، شفاف نبودن وضعیت قانونی کلینیک‌های حقوقی و فقدان متولی دقیق قانونی از یک طرف و محدود بودن تعداد آن‌ها موید آن است که توجه ویژه به این کلینیک‌ها و رفع نقایص قانونی در راستای ارتقای آگاهی‌های حقوقی و تسهیل دسترسی به خدمات حقوقی در کشور ضروری است. از این رو استفاده مطلوب از ظرفیت‌های این کلینیک‌ها، مستلزم رفع موانع قانونی و عملی آن است. در این راستا لازم است اولاً از نظر قانونی متولیان حقوق شهروندی و وضعیت حقوقی این کلینیک‌ها روشن شود. با تاسیس کلینیک‌های حقوقی در ادارات و مراکز دولتی، ضمن استفاده از خدمات آن از طرف عموم، زمینه آشنایی عموم شهروندان با این کلینیک‌ها فراهم گردد. با گسترده و متنوع نمودن فعالیت‌های کلینیک‌های حقوقی و استفاده از فناوری‌های جدید زمینه‌های استفاده مطلوب از آن‌ها فراهم گردد. هم‌چنین جهت کاهش موانع مربوط به عدم استفاده از کلینیک‌های حقوقی توسط شهروندان لازم است فرهنگ‌سازی‌های لازم از طرق مختلف به‌ویژه رسانه‌های جمعی در خصوص وظایف و ساختار کلینیک‌های حقوقی ضرورت دارد.

منابع

فارسی

- آفنداک، خلیل. «بررسی علل گرایش طرفین دعوی به انتخاب وکیل در شهرستان اهر». مجله دادرسی، ۱۰۸ (۱۳۹۳): ۵۳-۶۰.
- اخوان، حامد. «بررسی و شناسایی مولفه‌های نظام آموزش شهروندی». افاق علوم انسانی ۶، ۶۶ (۱۴۰۱): ۱۷-۳۰.
- بلک، فرانک. جنبش جهانی کلینیکی، آموزش حقوقدانان برای عدالت اجتماعی، ترجمه علی اکبر سیاپوش و دیگران، ویرایش اول. قم: نشر غمزه، ۱۴۰۱.
- تنگستانی، محمد قاسم. «کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی؛ از چیستی و چرایی تا چگونگی تحقق و فعالیت». مجله حقوقی دادگستری ۸۷

- جهانشاهی، زهرا. «مطالعه تطبیقی مصادیق حقوق شهروندی در حقوق ایران و انگلستان». مطالعات علوم اجتماعی ۴، ۷ (۱۴۰۰): ۱۷۸-۱۸۸.
- حبیب‌نژاد، احمد، زهرا، عامری و احمد خسروی. «تعهدات دولت در گسترش سواد حقوقی با نگاهی به نظام حقوقی ایران». مطالعات حقوق عمومی ۵۰، ۱ (۱۳۹۹): ۱۸۱-۱۹۷. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2018.255092.1707>
- خسروی، احمد و حامد نوروزی. «حق بر فهم قانون». مجله حقوقی دادگستری ۸۴، ۱۱۱ (۱۳۹۹): ۶۵-۸۷.

<https://doi.org/10.22106/rlj.2020.121654.3179>

- رضایور، داریوش، علیرضا گلستانی، محمد غلامی و حسن سعادت‌پور. «عوامل موثر بر آگاهی شهروندان از مفهوم حقوق شهروندی». پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی ۱، ۲ (۱۳۹۸): ۴۸-۶۷.
- کرامت‌الله، عبدالله شیخی، مرضیه باقرعطاران، و دیمین کاشفی‌دوست. «ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری». پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری ۱، ۱ (۱۳۹۲): ۵۹-۷۷.
- سالک راضی، مجتبی. «جایگاه شهرداری‌ها از منظر حقوق شهروندی». پژوهش و مطالعات علوم اسلامی ۳، ۳۱ (۱۴۰۰): ۷۶-۹۳.
- صفری، ناهید. «ارزیابی بیمه هزینه‌های دادرسی از منظر حقوق مصرف‌کنندگان». حقوقی دادگستری ۸۶، ۱۱۸ (۱۴۰۱): ۱۶۳-۱۸۳.

<https://doi.org/10.22106/rlj.2021.536128.4349>

- صفری، ناهید و آرتین جهانشاهی. «حق‌الوکاله‌های احتمالی و مشروط». مطالعات حقوقی ۲، ۱۲ (۱۳۹۹): ۱۶۳-۱۹۴.

[10.22099/JLS.2020.34416.3538](https://doi.org/10.22099/JLS.2020.34416.3538)

- عباسی، محمود و لیلا میربد. «کلینیک‌های حقوقی؛ ساز و کار مطلوب حمایت و تحقق حقوق کودک». حقوق کودک ۲، ۸ (۱۳۹۹): ۱۱-۴۶.
- عباسی، محمود و مریم شعبان. «کلینیک‌های حقوق شهروندی در ایران: چیستی و چگونگی». مطالعات حقوق شهروندی ۱، ۴ (۱۳۹۶): ۶۳-۸۴.

- فضایی، مصطفی و فاطمه سادات حق شناس. «نقش کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی و مسجد محور در ارتقای آموزش حقوق بشر در جوامع مسلمان». فصلنامه پژوهش حقوق تطبیقی و اسلام و غرب ۴، ۴ (۱۳۹۶): ۱۲۱-۱۴۰.
- قرشی، مهدی، حجت‌الله، ابراهیمیان و مقصود رنجبر. «بررسی نقش قوه قضائیه در حفظ حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران در چارچوب رویکرد حکمرانی خوب». رهیافت انقلاب اسلامی ۱۶، ۵۸ (۱۴۰۱): ۲۷-۴۶.

- کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. ویرایش دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲.
- گنجی، محمد، محسن نیازی و اسما عسکری‌کوبری. «تحلیلی بر فرهنگ شهروندی با تاکید بر آموزش‌های شهروندی». مطالعات جامعه‌شناسی شهری ۴، ۱۲ (۱۳۹۳): ۷۵-۱۰۰.

- محسنی، رضاعلی. «ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راهکارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی». مطالعات سیاسی ۳، ۱۰ (۱۳۸۹): ۱۱۷-۱۴۴.

- مقدادی، محمد مهدی. «ضرورت تحول معاضدت حقوقی در جمهوری اسلامی و فواید آن». دین و قانون ۴، ۱۴ (۱۳۹۵): ۸۷-۱۲۳.
- موسوی، محمد امین. مبانی فهم حقوق (در آمدی بر فلسفه حقوق). ویرایش اول. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
- مک‌کوبید میسون، دیوید جان، روبین پالمر. راهنمای کارکنان کلینیک‌های حقوقی (مورد: کلینیک‌های حقوقی آفریقای). مترجم عبدالله تقوی. ویرایش اول، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۹.
- نوری، مسعود. «کلینیک حقوقی دانشگاهی، چیستی، چرایی، چشم انداز فرارو». حقوق بشر ۲، ۱ (۱۳۸۶): ۱۲۹-۱۳۶.

انگلیسی

- Bloch, Frank. S. "Access to justice and the global clinical movement". Wash. UJL & Pol'y 28 (2008):111-139.
- Fahy, Ronan., & Van Echoud, Mireille.. Establishing a Start-up Law Clinic in Law School: A Practical Guide.

- Institute for Information Law, University of Amsterdam(2015):3-11.
- Hodges Christopher, Stefan Vogenauer, and Magdalena Tulibacka, Costs and Funding of Civil Litigation: A Comparative Study, Oxford Legal Studies Research No. 55-2009.
 - Houseman, Alan w. Civil legal aid in the united states, National Report for the United States prepared for the International Legal Aid Group (ILAG) (2018). available at:
 - <https://palegalaid.net/sites/default/files/attachments/2018-07/CIVIL-LEGAL-AID-IN-THE-UNITED-STATES-2017.pdf>
 - Łomowski, Daruisz. The Legal Clinic: The Idea, Organization, Methodology. The Legal Clinics Foundation: Wydawnictwo C.H. Beck, ul. Gen. Zajączka 9, 01-518 Warsaw, Poland. (2005). Available at: http://www.fupp.org.pl/down/legal_clinic.pdf.
 - Marshall, Thomas, Humphery. Citizenship and Social Class Citizenship and Social Class: And Other Essays, University Press,2009.
 - McNee, Anna. “Legal Expenses Insurance and Access to Justice”. Legal Policy & Research Unit International Bar Association,2019.
 - Parker-Gwin, Rashel., & Mabry, J. Beth. “Service learning as pedagogy and civic education: Comparing outcomes for three models”. Teaching sociology, 26, 4 (1998): 276-291: DOI: [10.2307/1318768](https://doi.org/10.2307/1318768)
 - Sangroula, Yubaraj “Social justice jurisprudence of clinical education programme: A paradigm shift from legal education to justice education”. Jindal Global Law Review 11,2, (2020): 339-364. [10.1007/s41020-020-00131-4](https://doi.org/10.1007/s41020-020-00131-4)
 - Sarker, Shuvro. Prosun. Clinical legal Education in Asia: Accessing justice for the underprivileged. New York: Palgrave Macmillan, 2016.
 - White, James. Boyd. “The invisible discourse of the law: Reflections on legal literacy and general education”. U. Colo. L. Rev 54, 2 (1982):143-159.
 - Wilson ,Richard “Legal Aid and Clinical Legal Education in Europe and the USA: Are They Compatible?”. In Outsourcing Legal aid in the Nordic Welfare States , edited by Olaf Halvorsen Rønning, Ole Hammerslev, palgrave mcmillan, 2018.
 - Zariski, Archie. “legal literacy, An Introduction to Legal Studies. Canada”. AU Press, Athabasca University, 2014.

The right to receive education and legal services from the perspective of citizenship rights; with emphasizing the role of legal clinics

Abstract

The information and legal knowledge of citizens is limited, and often misleading and incorrect. This issue, along with the economic barriers to accessing legal services, not only leads to the violation of citizens' rights but also contributes to the increase in legal cases and delays in the judicial process. Due to the lack of attention to the right to receive legal education and services as a form of citizens' rights in the research literature, and given the practical importance of this right, the present study seeks to answer the following questions: Can this right be considered a form of citizens' rights, and what is its status within the Iranian legal system? What is the appropriate mechanism for ensuring this right? A detailed examination of the examples of citizenship rights as outlined by experts in this field, along with the existing regulations, confirm that the right to receive legal education and services, in accordance with the standards of contemporary society, is considered as one of the examples of citizenship rights that has not been adequately addressed by legislators and researchers in this area. This study, while explaining these rights from a citizenship rights perspective, considers the establishment of legal clinics, as institutions with multiple educational and service-oriented functions, to be an appropriate mechanism for realizing this right. The research method is descriptive and analytical and it was done by collecting information in a library.

Key words : Citizenship Rights, Right to Education, Legal Services, Legal Literacy, Legal Clinics.